

بررسی فقهی شرکت گروهی در قتل یک نفر*

دکتر محمد حسین شعبانی

استادیار دانشگاه پیام نور مازندران، بهشهر

Email: shabanimh@yahoo.com

چکیده

در فقه و حقوق اسلام مسلم است که اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند ولی دم می‌تواند با رد مازاد دیه آنان، همه را قصاص کند. قانون مجازات اسلامی ماده ۲۱۲ می‌گوید:

هرگاه دو یا چند مرد مسلمان به‌طور مشترک مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می‌تواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر. برخی از فقها نسبت به این حکم تأمل نموده و معتقدند ولی دم فقط می‌تواند یک نفر از آنها را به قتل برساند و افراد باقی مانده به اندازه سهم جنایتشان دیه فرد قصاص شده را به خانواده او پرداخت می‌کنند (علم الهدی، مسائل الناصریات، ص ۵۳۳؛ خوانساری، ۳۴۴/۷).

در این مقاله، ادله طرفین مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد، در چنین مواردی احتیاط در خون و منع اسراف در قتل، اقتضا می‌کند که از کشتن همه آنها در صورت وجود مصلحت خودداری شود.

کلید واژه‌ها: قتل، شرکت، گروهی، فردی، قصاص، ولی دم، مازاد دیه.

*. تاریخ وصول: ۱۳۸۵/۵/۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۶/۷/۹.

مقدمه

قتل نفس از بزرگ‌ترین گناهان است و مورد نهی شدید شارع مقدس قرار گرفته است.

در روایت آمده است: نابود شدن دنیا برای خداوند آسان‌تر و بی اهمیت‌تر است از این‌که مؤمنی به ناحق کشته شود (مجلسی، بحار الأنوار، ۳۸۲/۱۰۱).

خداوند متعال کشتن انسانها را حرام کرده است. اگر کشتن انسانها جایز بود، موجب نابودی انسان و نقض و باطل شدن هدف و تدبیر آفرینش می‌شد.

مصلحت حفظ نفس یکی از بزرگ‌ترین مصلحت‌های اسلام است. برای بیان اهمیت حفظ نفس، روایتی رسیده است که می‌گوید:

نخستین چیزی که از مردم در روز قیامت مورد رسیدگی و داوری قرار می‌گیرد، خون است (مجلسی، بحار الأنوار، ۳۸۲/۱۰۱؛ حر عاملی، ۴/۱۹).

باری تعالی برای حرمت حفظ نفس انسان، کیفر قصاص را مقرر داشته است. کیفر قصاص اگر چه اعدام و نابودی فردی از افراد جامعه است اما با توجه به نقش مهمی که در جلوگیری از قتل و خون‌ریزی و تضمین حیات جامعه دارد و نیز از منظر تقدیم منافع جامعه بر فرد باعث استمرار و بقای زندگی، ضامن حفظ و بقای نظم، امنیت و عدالت اجتماعی است.

قرآن کریم نیز عفو از قاتل و گرفتن دیه را مورد عنایت قرار داده است (بقره/۱۷۸).

طرح مسئله

در مبحث قصاص این سؤال مطرح می‌شود که در صورت شرکت گروهی در قتل یک نفر، حکم قصاص چه صورتی پیدا می‌کند؟

آیا همه شرکت‌کنندگان در قتل با رد مازاد دیه به ورثه آنها قصاص می‌شوند یا حکم قصاص در این صورت ساقط می‌شود یا یکی از قاتلان با انتخاب ولی دم

کشته می‌شود؟

این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

فقها مسئله شرکت گروهی در قتل یک تن را در مبحث قصاص مطرح کرده و در مورد آن به بحث و بررسی پرداخته‌اند، منتها بیشتر فقها بر این عقیده‌اند که در صورت شرکت گروهی در قتل یک تن، همه آنها قصاص می‌شوند ولی مازاد دیه، باید به ورثه آنها پرداخت شود (مفید، ۷۴۵؛ محقق حلی، ۹۷۷/۴) و برخی فقها در این زمینه ادعای اجماع کرده‌اند (ابن زهره، ۴۰۴؛ طوسی، *الخلافا*، ۱۵۵/۵).

در این زمینه دو دسته روایت وجود دارد. شیخ طوسی آن دسته از روایاتی را که بیانگر شرکت گروهی در قتل یک تن است و همه قاتلان آن کشته نمی‌شوند را حمل بر تقیه کرده و یا حمل بر اینکه تا مازاد دیه همه را پرداخت نکرده است، ولی دم حق قصاص ندارد (طوسی، *الاستبصار*، ۲۸۲/۴).

البته برخی از فقها بر این باورند که در صورت شرکت گروهی در قتل یک تن، یکی از قاتلان با انتخاب ولی دم کشته می‌شود (علم الهدی، *مسائل الناصریات*، ۳۹۳).

هر چند فقهای شیعه و اهل سنت در مبحث قصاص، این موضوع را مطرح کرده‌اند و در برخی از کتاب‌ها مانند «درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی»، این مسئله از نظر مذاهب خمس مورد بررسی قرار گرفته است، ولی نگارنده، به کتاب مستقل یا مقاله‌ای در این زمینه دسترسی پیدا نکرده است.

از آنجا که مبنای حکم در این موضوع روایات است، لذا مرور اجمالی آنها ضروری است.

بررسی روایات

۱- عن داود بن سرحان عن أبي عبدالله (ع) فی رجلین قتلآ رجلاً قال: إن شاء

أولياء المقتول أن يؤدوا دية ويقتلوهما جميعاً قتلوهما (حرعاملی، ۲۹/۱۹).

داوود بن سرحان از امام صادق علیه السلام درباره دو مردی که مردی را کشته بودند سؤال کرد، حضرت فرمود: اگر اولیای مقتول بخواهند یک دیه کامل می‌پردازند و آن دو را می‌کشند. این روایت، صحیح است (خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ۲۴/۲).

۲- عن الفضل بن یسار قال: قلت لأبي جعفر (ع): عشرة قتلوا رجلاً قال: إن شاء أولیاءه قتلوهم جميعاً و غرموا تسع دیات، وإن شاء تخیروا رجلاً فقتلوه و أدى التسعة الباقون الى اهل المقتول الأخير عشر الدية كل رجل منهم قال: ثم الوالی بعد یلی أدهم و حبسهم (حرعاملی، ۳۰/۱۹).

فضل بن یسار نقل می‌کند که به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ده نفر مردی را کشتند، حضرت فرمود: اگر اولیای مقتول بخواهند همه آنها را می‌کشند و دیه نه نفر را پرداخت می‌کنند و اگر بخواهند یک نفر را به انتخاب می‌کشند و نه نفر باقی مانده به خانواده فرد قصاص شده یک دهم دیه را پرداخت می‌کنند، سپس حاکم آنها را ادب و حبس می‌کند. این روایت حسن یا موثق است (مجلسی، مرآة العقول، ۳۱/۲۴).

۳- عن ابن مسکان عن ابی عبد الله (ع) قال: إذا قتل الرجلان و الثلاثة رجلاً فان أرادوا قتلهم تراذوا فضل الدیات، فان قبل أولیاءه الدیه كانت علیهما، و إلا أخذوا دیه صاحبهم... (حر عاملی، ۳۰/۱۹).

ابن مسکان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: اگر دو یا سه نفر مردی را بکشند در صورتی که اولیای مقتول خواستار قتل آنها باشند، باید زیادی دیه آنها را پرداخت کنند و اگر دیه بخواهند برآن دو نفر است که یک دیه کامل پرداخت کنند. این روایت صحیح است (مجلسی، مرآة العقول، ۳۱/۲۴؛ خوانساری، ۱۹۱/۷).

در مقابل روایات یاد شده، پاره‌ای از روایات بیانگر این است که اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، یک نفر به انتخاب ولی دم کشته می‌شود و افراد

باقی مانده به اندازه سهم جنایت خود به خانواده فرد قصاص شده، دیه می‌پردازند. برخی از این روایات در اینجا مرور می‌شود.

عن الحلبي عن ابي عبد الله (ع) في عشرة اشتر كوا في قتل رجل، قال: يخيّر أهل المقتول فأبهم شأؤوا قتلوا و يرجع أولياؤه على الباقيين بتسعة أعشار الدية (حرعاملی، ۲۹/۱۹).

حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ده تن که در قتل یک نفر شرکت داشته‌اند پرسش شد، حضرت فرمود: صاحب خون مخیر است یکی از آنها را که بخواهد بکشد و خانواده فرد قصاص شده برای گرفتن نه دهم دیه به افراد باقی مانده رجوع می‌کنند. این روایت صحیح است (مجلسی، *مرآة العقول*، ۳۰/۲۴؛ شهید ثانی، ۱۰۱/۱۵).

این روایت تصریح دارد که ولی دم می‌تواند یکی از آنها را بکشد و قسمت پایانی روایت می‌گوید: خانواده فرد قصاص شده، نه دهم دیه را از قاتلان می‌گیرد و ذکری از قتل همه نشده است و مؤید روایت ابوالعباس است؛ ولی برخی از فقها این روایت را در ردیف روایاتی که می‌گویند ولی مخیر است همه آنها را بکشد، قرار می‌دهند که این با ظاهر روایت سازگاری ندارد. به نظر می‌رسد تخییر در اینجا در مقابل گرفتن دیه و عفو است.

* این گفتار محل تأمل است چرا که حدیث یاد شده در مقام بیان عدم توانایی ولی مقتول بر قصاص جمع نیست و ظاهر آن به قول فقها نزدیک‌تر است.

۲- عن أبي العباس و غيره عن أبي عبد الله (ع) قال: إذا اجتمع العدة على قتل رجل واحد حكم الوالی أن يقتل أبهم شأؤوا وليس لهم أن يقتلوا أكثر من واحد، ان الله عز وجل يقول: «ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل» (حرعاملی، ۳۱/۱۹).

ابوالعباس از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: اگر گروهی در

قتل یک تن شرکت داشته باشند به حکم حاکم یکی از آنها را که اولیای مقتول بخواهند می‌کشند و نمی‌توانند بیشتر از یک تن را به قتل برسانند؛ خداوند متعال می‌فرماید: کسی که مظلومانه کشته شود ما برای ولی او سلطه‌ای را [بر قاتل] قرار دادیم، پس زیاده‌روی و اسراف در قتل نکنند (اسراء/۳۳).

این روایت حسن است (نجفی، ۶۸/۴۲؛ شهید ثانی، ۱۰۲/۱۵).

شیخ طوسی در **تهذیب** پس از نقل این حدیث می‌گوید: «این خبر منافاتی با اخباری که گذشت، ندارد. این روایت شامل کسی که خواستار قتل جماعت باشد و بخواهد دیه بقیه افراد را پرداخت کند، نمی‌شود. ظاهر خبر این نیست که وقتی دیه بقیه افراد را پرداخت کند، نتواند جماعت را در برابر یک نفر بکشد. وقتی در ظاهر روایت چنین مطلبی ذکر نشد اخباری که پیشتر آمد برای این خبر بیان محسوب می‌شوند» (طوسی، ۲۱۸/۱۰).

شیخ طوسی بین این دو دسته روایات به این صورت جمع کرده است که این خبر منافاتی ندارد با اخباری که می‌گوید ولی دم می‌تواند همه آنها را بکشد در صورتی که مازاد دیه آنها را پرداخت کند؛ چون این منع شامل کسی است که بخواهد همه قاتلان را بکشد بدون این که بخواهد مازاد دیه آنها را بپردازد.

شهید ثانی در مسالک می‌گوید: «شیخ طوسی معتقد است این روایت یا از روی تقیه صادر شده است یا منظور این است که همه را نمی‌کشند مگر بعد از این که زیاده دیه آنها را پرداخت کرده باشند و هردو احتمال شیخ، بعید است» (شهید ثانی، ۱۰۲/۱۵). این روایت با تقیه سازگاری ندارد، چون اهل سنت جز حنا بله معتقدند که گروه در قتل یک نفر کشته می‌شوند (جزیری، ۲۹۶/۵).

همچنین، استشهاد به قرآن برای اثبات حکم با تقیه مناسبت ندارد و دلیلی برای حمل بر تقیه وجود ندارد.

علاوه بر این، فقط همین یک روایت نیست که در این موضوع وارد شده است

بلکه چند روایت دیگر نیز در این مورد رسیده است (حرعاملی، ۱۹، ابواب القصاص فی النفس).

بررسی روایت ابی العباس

برخی از فقها به علت وجود قاسم بن عروه در سلسله سند این حدیث، در آن خدشه کرده‌اند.

مقدس اردبیلی در مجمع الفایده می‌گوید: «این روایت صحیح محسوب نمی‌شود، چون وثاقت قاسم ابن عروه ثابت نشده است» (اردبیلی، ۴۵۱/۱۳).

شیخ طوسی یک بار قاسم ابن عروه را از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به حساب آورده و بار دیگر او را در شمار کسانی ذکر نموده که از ائمه (ع) روایت نکرده است (ابن زین‌الدین، *تحریر الطاووسی*، ص ۴۷۹).

در مقابل، ابن داوود گفته است: «قاسم ابن عروه ابو محمد مولا ابی ایوب خزری بغدادی است که در همان جا در گذشت و ممدوح است» (ابن داوود، ۱۵۳). از او روایات بسیاری نقل شده و یکی از مشایخ شیخ صدوق است. در ضمن، راوی از او ابن ابی عمیر است که اصحاب ما اتفاق و اجماع دارند روایتی که از طریق او نقل شده صحیح است (خویی، *معجم الرجال الحدیث*، ۳۲/۱۵).

جمع دلالی

هرگاه از نظر عرف یکی از دو دلیل معین، قرینه ای برای تصرف در دیگری یا هریک از دو دلیل قرینه ای بر تصرف در دلیل دیگری باشد به آن جمع عرفی یا جمع دلال گویند (مظفر، ۲۰۲/۲).

به نظر برخی از فقها، روایاتی که بیان‌گر کشته نشدن جمع در مقابل فرد است مطلق‌اند و به وسیله روایاتی که می‌گویند جمع در برابر فرد کشته می‌شود، تقیید می‌گردد. در این صورت بین دو دسته روایات جمع می‌شود و تعارضی در بین نخواهد بود (طوسی، *تهذیب الاحکام*، ۲۱۸/۱۰؛ روحانی، ۷۲/۲۶).

تحلیل روایات

روایاتی که می‌گویند اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، ولی مقتول می‌تواند همه آنها را بکشد به شرطی که مازاد دیه جنایت آنها را پرداخت کند؛ اگر چه تعداد آنها بیشتر و برخی از آنها صحیح هستند ولی در بین روایاتی که دلالت دارند ولی مقتول فقط یک نفر را می‌تواند بکشد نیز روایات صحیح و حسن وجود دارد، مثل صحیح حلبی که هم با فلسفه قصاص که حفظ خون و جلوگیری از خونریزی بیشتر است، تناسب دارد و هم موافق با ظاهر قرآن است که ولی دم را از اسراف در قتل منع کرده است. علاوه بر این، که آیه شریفه «النفس بالنفس» (مائده/۴۵) که به مساوات در قصاص دلالت دارد با این دسته از روایات سازگارتر است. همچنین، این روایات با احتیاط در خون نیز همخوانی دارد.

علاوه بر این، به نظر برخی از اصولیان روایتی که در دلالت آن تأکید وجود دارد و متعرض علت حکم شده است بر خبر دیگر ترجیح دارد (ابن زین الدین، معالم‌الدین، ۳۲۳).

نظر فقهای شیعه در قتل گروهی

نظر مشهور فقهای شیعه این است که اگر گروهی در قتل یک تن شرکت داشته باشند، اولیای مقتول می‌توانند همه آنها را به قتل برسانند به شرطی که مازاد دیه آنها پرداخت شود و یا می‌توانند یکی از آنها را بکشند و به افراد باقی مانده به مقدار سهمشان، دیه فرد قصاص شده را پرداخت کنند. همچنین، اگر اولیای مقتول اخذ دیه را بر گزینند قاتلان به حساب تعدادشان دیه پرداخت می‌کنند.

شیخ مفید در مقنعه می‌نویسد: «اگر دو نفر یک تن را به عمد کشته باشند، اولیای مقتول مخیر هستند بین این که هر دو را به قتل برسانند و یک دیه کامل به ورثه هر دو بپردازند و ورثه آن دو، دیه را بین خودشان نصف کنند و یا اینکه می‌توانند یکی از آن

دو را بکشند و دیگری، به ورثه قصاص شده نصف دیه را پرداخت می‌کند. اگر اولیای مقتول اخذ دیه را انتخاب کردند قاتلان به حساب تعدادشان دیه پرداخت می‌کنند» (مفید، ۷۴۵).

از بیان شیخ مفید روشن می‌گردد که اولیای مقتول حق قصاص همه قاتلان را دارند، ولی چون بیشتر از حق یک نفر استیفا کرده‌اند باید مازاد دیه آنان را پردازند؛ زیرا اطلاق ادله قصاص شامل قتل گروهی هم می‌شود و بر هر یک از آنان اسم قاتل صدق می‌کند.

صاحب جواهر در این زمینه می‌نویسد:

« اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، صاحب خون مخیر است همه آنها را بکشد به شرطی که مازاد دیه آنها را رد کند. همچنین، مخیر است که بعضی را به قتل برساند و افراد باقی مانده دیه جنایتشان را به ورثه فرد قصاص شده می‌پردازند و ولی مقتول دیه افراد قصاص شده را پرداخت می‌کند، چون بیشتر از حق خودش استیفا کرده است. در این مسئله اختلافی نیست، بلکه اجماع محصل و منقول موجود است. علاوه بر این، معلوم است که هدف از تشریح قصاص، حفظ خون است. اگر هنگام شرکت در قتل، کشتن همه لازم نباشد، قتل و خون ریزی بیشتر خواهد شد» (نجفی، ۶۶/۴۲ و ۶۷).

صاحب جواهر در قصاص گروه به‌زای قتل فرد، ادعای اجماع کرده است، ولی با توجه به روایاتی که در این زمینه رسیده است این اجماع، مدرکی است و مستند آن همان روایات است و دلیل مستقلی نخواهد بود.

این که ایشان گفته است اگر هنگام شرکت گروه در قتل، کشتن همه لازم نباشد قتل و خون ریزی بیشتر خواهد شد، قابل خدشه است، چون با کشته شدن یک فرد با انتخاب ولی دم یا با قصاص عامل اصلی، باز دارندگی حکم قصاص محفوظ می‌ماند و جلوی قتل و خون ریزی گرفته می‌شود.

این که اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، اولیای مقتول می‌توانند با رد مازاد دیه، همه آنها را به قتل برسانند نظر مشهور فقهای شیعه است. (نک: طوسی *النهایه*، ۷۴۴، محقق حلی، ۹۷۷/۴؛ ابن‌ادریس، ۳۴۴/۳؛ شهید ثانی، *الروضه البهیة*، ۲۹/۱۰؛ علامه حلی، ۴۰۹/۹؛ طباطبایی، ۵۰۳/۲؛ خویی، *مبانی تکملة المنهاج*، ۲/۲؛ امام خمینی، ۴۶۴/۲).

قتل یک نفر با انتخاب ولی دم

برخی از فقها در صورت شرکت گروهی در قتل یک نفر بر این عقیده‌اند که فقط یک تن با انتخاب ولی دم کشته می‌شود. سید مرتضی می‌گوید:

«دو نفر در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند، اگر ده نفر یک تن را بکشند به انتخاب ولی دم یک نفر کشته می‌شود و نه دهم دیه از افراد باقی مانده گرفته و به اولیای فرد قصاص شده، داده می‌شود. دلیل ما که گفتیم گروه در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند، اجماع است. همچنین جویر از ضحاک نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمود: دو نفر در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند» (علم الهدی، *مسائل الناصریات*، ص ۳۹۳).

سید مرتضی در این که گروه در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند، ادعای اجماع کرده است، اما اجماع از نظر او اجماع اصطلاحی و اتفاق نظر همه فقها نیست. از نظر او اگر در یک مسئله گروهی از فقها اتفاق نظر داشته باشند و در مقابل دو یا سه نفر دیگر نظر متفاوتی ارائه کنند و ما بدانیم که قول امام با این سه نفر است، قول اینها حجت و قول بقیه فقها خطا است.

* اگر بدانیم که قول امام (ع) چیست دیگر چه نیازی به قول دیگران است؟! او در *الدریعه* می‌نویسد: «یک یا دو نفری که با نظر جماعت فقها مخالف باشند در صورتی که بدانیم که قول امام معصوم با آنان است قول آنها حق و حجت است و قول جماعت فقها خطا است» (علم الهدی، ۶۳۲/۲).

از دیگر فقهایی که با قتل گروه در برابر یک نفر نظر موافق ندارد، محقق

خوانساری است. ایشان کشتن گروه در قتل یک نفر را خالی از اشکال نمی‌دانند، چون قصاص برای حفظ حیات و جلوگیری از خونریزی وضع شده است و کشتن گروه در برابر یک نفر با مساواتی که در قصاص مد نظر است، سازگاری ندارد.

وی پس از ذکر این مطلب که اگر چند نفر یک تن را بکشند صاحب خون می‌تواند پس از رد مازاد دینه آنها همه را بکشد، می‌گوید: «ظاهر کلام فقها این است که این حکم عمومیت دارد، به طوری که اگر صد مرد یا بیشتر در قتل یک مرد شرکت داشته باشند، ولی مقتول می‌تواند همه را به قتل برساند؛ ولی این حکم خالی از اشکال نیست، زیرا حکم مذکور با ظاهر آیه شریفه «النفس بالنفس» مخالف است و ظاهراً آیه شریفه از تخصیص ابا و امتناع دارد و مشکل این حکم با دادن دینه به ورثه، جبران نمی‌شود.

علاوه بر این که این حکم مخالف با روایت معتبره ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) است «خوانساری، ۱۹۲/۷».

نظر به این که قرآن کریم کشتن نفس را در برابر نفس جایز دانسته است و از اسراف در قتل منع کرده و شرع مقدس نیز در موضوع خون امر به احتیاط فرموده است، کشتن چند نفر در برابر یک نفر مشکل به نظر می‌رسد.

در تصریح به این که گروه به ازای قتل یک نفر کشته نمی‌شود، در روایت ابن ابی عمیر از امام صادق آمده است که: وقتی عده ای در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، به حکم حاکم یکی از آنان که ولی دم خواستار قتل او باشد کشته می‌شود و نمی‌توانند بیشتر از یک نفر را بکشند. خداوند متعال می‌فرماید: «کسی که مظلومانه کشته شود ما برای ولی او چیرگی قرار دادیم، پس در قتل اسراف نکند که اویاری داده شده است» (اسراء/۳۳)، (حرعاملی، ۳۰/۱۹).

شرکت در قتل از نظر فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت در شرکت گروهی در قتل یک تن اتفاق نظر ندارند.

برخی معتقدند اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند در این صورت قصاص تبدیل به دیه می‌شود. این نظریه به ربیعه و داوود نسبت داده شده است. عده‌ای می‌گویند: یک نفر از جماعت با انتخاب ولی دم یا قرعه قصاص می‌شود و بقیه به سهم خود دیه می‌پردازند. این نظر ابن زبیر، معاذ ابن جبل، زهیری و ابن سیرین است.

اکثر فقهای اهل سنت نیز بر این باورند که جماعت در قتل یک نفر کشته می‌شوند و مازاد دیه آنها هم برگردانده نمی‌شود (نووی، *المجموع*، ۳۶۹/۱۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۳/۲۴۳).

حنفیه می‌گویند: جماعت در برابر یک نفر کشته می‌شوند ولی اعضای چند نفر در برابر یک نفر قطع نمی‌شود، چون اگر چند نفر در برابر یک نفر کشته نشوند باعث می‌شود که مردم دسته جمعی اقدام به قتل یک نفر نمایند (ابن رشد، ۲/۳۲۶؛ سمرقندی، ۳/۱۰۰).

به نظر می‌رسد همچنان که دیگر فقها بین قصاص نفس و قصاص اعضا تفاوت قائل نشده‌اند حنفیه هم باید بین این دو تفاوت قائل نباشند. اگر اعضای چند تن برای یک نفر قطع نمی‌شود باید برای رعایت شرط مماثلت، چند نفر در مقابل یک تن نیز قصاص نشوند.

* این سخن، قیاس است. سرخسی در مَبسوط می‌نویسد: «اگر گروهی در قتل مردی با سلاح شرکت داشته باشند، قصاص آنان واجب است. از عمر به مارسیده است که گروهی را در قتل یک تن قصاص کرد و این حکم استحسان است. از نظر قیاس بر آنان قصاص لازم نیست، چون در قصاص مساوات معتبر است. طلب زیادی از متعدی ظلم است و درخواست کمتر از حق، کاستی و نقصان در حق ستمدیده است.

بین ده نفر و یک نفر مساوات وجود ندارد و این چیزی است که از نظر عمل

بدیهی است (سرخسی، ۱۲۶/۲۶ و ۱۲۷).

چنان که ملاحظه می‌شود، سرخسی در مسئله قتل گروه در برابر فرد به فعل عمر تمسک کرده است که یک واقعه خاص بوده است، ولی اذعان می‌کند که از نظر قیاس و مساواتی که در قصاص معتبر است کشتن همه آنها لازم نیست، چون بین ده نفر و یک تن مساوات وجود ندارد در صورتی که در قصاص برابری و مساوات شرط است. حنابله می‌گویند: « گروه در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند، چون خداوند متعال مساوات در قصاص را شرط دانسته است و بین جماعت و یک نفر تساوی وجود ندارد» (جزیری، ۲۹۶/۵).

از جمله شروط قصاص هم کفو بودن و همتایی است، مثلاً انسان حر در برابر برده قصاص نمی‌شود، دست سالم در برابر دست معیوب قصاص نمی‌شود. وقتی تفاوت در صفات مانع قصاص باشد، اختلاف در عدد به طریق اولی مانع خواهد بود. مالکیه بر این باورند که اگر چند تن در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، همه کشته می‌شوند (دسوقی، ۲۴۵/۴؛ ابوالبرکات، ۲۴۹/۴).

شافعیه معتقدند اگر گروهی در قتل یک نفر شرکت داشته باشند، ولی دم اگر بخواهد می‌تواند همه آنها را بکشد و اگر بخواهد می‌تواند برخی را قصاص کند و از برخی دیگر به مقدار سهمشان دیه بگیرد. همچنین می‌تواند از همه یک دیه دریافت. نووی در المجموع می‌نویسد: « جماعت در برابر یک نفر کشته می‌شوند به شرطی که هریک براو جنایتی وارد کنند که اگر به تنهایی چنین جنایتی را مرتکب می‌شدند، باعث مرگ مقتول می‌شد و براو قصاص واجب می‌آمد. اصحاب پیامبر (ص) مانند حضرت علی (ع)، عمر، ابن عباس و مغیره بن شعبه، معتقدند که گروه در برابر یک نفر کشته می‌شود.

ابن زبیر، معاذبن جبل، زهری و ابن سیرین می‌گویند: جماعت در برابر یک نفر کشته نمی‌شوند. ولی دم یکی از آنها را به قتل می‌رساند و از افراد باقی مانده به مقدار

سهمشان ديه مي گيرد» (نووي، ۳۶۹/۱۸).

از بررسي كتابهاي فقهی اهل سنت روشن مي شود كه آنها در اين مسئله سه نظريه ارائه كرده اند. اكثر آنها با تمسك به فعل عمر معتقدند كه اگر گروهی در قتل يك نفر شركت داشته باشند، همه آنها كشته مي شوند و چيزی از ديه به آنها برگردانده نمي شود.

گروه اندکی بر اين باورند كه حق قصاص ساقط مي شود، به لحاظ اين كه هيچ كدام از آن گروه به تنهائی مرتكب قتل نشده اند و قاتل محسوب نمي شوند. برخي ديگر معتقدند فقط يك نفر با انتخاب ولي دم كشته مي شود، چون هر يك از قاتلان با مقتول مساوی هستند. وقتی تفاوت در اوصاف مانع قصاص است تفاوت در عدد به طريق اولی مانع كشتن همه مي شود.

نقد و بررسي دیدگاه اهل سنت

اكثر فقههای اهل سنت در اين كه گروه در قتل يك نفر كشته مي شود بدون آنكه مازاد ديه آنها پرداخت شود، به روش و فعل عمر تمسك كرده اند كه عمر پنج يا هفت نفر از اهل صنعا را به خاطر كشتن يك تن به قتل رساند (شافعی، ۲۴/۶؛ سرخسی، ۱۲۷/۲۶).

به نظر مي رسد اين حكم نوعی استحسان و در نظر گرفتن مصلحت و حكم حكومتي بوده است كه به علت فحشا و پنهان كردن آن، اقدام به قتل كردند و عمر همه آنها رابه قتل رساند. اما مساواتی كه در قصاص معتبر است با اين حكم سازگاری ندارد.

دلایل فقها برای قتل گروه

براساس نظر مشهور فقههای امامیه، اگر گروهی در قتل يك تن شركت داشته باشند همه آنها كشته مي شوند. مهمترین دلایل اين نظر عبارت است از:

۱- رواياتی كه بيان مي دارند اگر گروهی در قتل يك تن شركت داشته باشند ولي

دم مي تواند با پرداخت مازاد ديه، همه را به قتل برساند، كه ذكر برخی از آنها گذشت.

۲- فلسفه تشریح حکم قصاص، حفظ نفس و جلوگیری از خون ریزی بیشتر است. اگر هنگام شرکت در قتل، کشتن همه لازم نباشد منجر به قتل بیشتر خواهد شد؛ چون وقتی قاتل بداند در صورت ارتکاب قتل کشته می شود از آن خودداری می کند، ولی اگر مشارکت در قتل مانع از اجرای قصاص باشد، خود وسیله ای برای فرار از قصاص و عاملی برای ازدیاد قتل خواهد بود (ابن ادریس، ۳/۳۴۵؛ عمید زنجانی، ص ۳۰۱).

بنابراین، بهترین راه برای فرار از کشته شدن، شرکت چند نفر در قتل یک نفر است و قتل هم به آسانی صورت می گیرد، چون یک نفر می تواند در برابر یک تن مقاومت کند ولی یک نفر توان مقاومت در برابر چند نفر را ندارد.

۳- دیگر این که اسم قاتل بر همه آنها صدق می کند، پس کشتن همه جایز خواهد بود. برای حفظ نفس، مصلحت چنین اقتضا می کند که گروهی در برابر یک نفر کشته شوند (شهید ثانی، *مسالك الأفهام*، ۱۰۰/۱۵؛ نجفی، ۶۶/۴۲).

۴- برخی از فقها در مسئله قتل گروه در برابر فرد، ادعای اجماع کرده اند (ابن زهره، ص ۴۰۴؛ ابن ادریس، ۳/۳۴۴؛ نجفی، ۶۶/۴۲).

نقد و بررسی نظر مشهور

هر چند روایات صحیحی رسیده که گروه در برابر یک تن کشته می شوند، ولی روایت صحیح و حسن هم نقل شده است که فقط یک تن با انتخاب ولی دم کشته می شود نه بیشتر، و این روایات هم با ظاهر قرآن سازگارترند و هم با احتیاط در خون. در مورد منافات میان کشته شدن گروه در برابر فرد با فلسفه قصاص، کافی است که به فلسفه تشریح آیات قصاص نظری بیفکنیم.

مفسران درباره شأن نزول آیه قصاص نوشته اند که قصاص در جاهلیت تابع قانون مشخصی نبود، بلکه تابع زور و قدرت قبیله بود قبیله قوی تر می گفت: اگر آن قبیله یک تن از ما را بکشد ما دو یا چند تن از آنها را خواهیم کشت، اگر برده ای از

مارا بکشد ما فرد آزادی از آنها را می‌کشیم... آیه نازل شد و فرمود: « كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ بِالنَّثَىٰ... » (بقره: ۱۷۸)؛ در مورد کشته شده‌گان بر شما مساوات واجب است شخص آزاد در برابر شخص آزاد، برده در برابر برده، زن در مقابل زن... (طباطبایی، ۶۲۱/۱؛ کاشانی، ۴۰۱/۱).

یعنی شرط اجرای قصاص مساوات و برابری است و اگر برابری نباشد قصاص صورت نمی‌گیرد. وقتی در صفات، برابری شرط باشد در تعداد رعایت آن ضروری است.

این نظر که مصلحت اقتضا می‌کند گروه در برابر یک تن کشته شود تا سبب قتل بیشتر نشود، وقتی تمام است که هیچ یک از قاتلان کشته نشوند، ولی اگر یک تن با انتخاب ولی دم، همان‌طور که در روایت آمده، یا با قرعه کشته شود، دیگر جایی برای اشکال نخواهد بود. همین که هر یک از آنها ترس از کشته شدن را داشته باشند، عاملی برای منع از ارتکاب قتل است. دیگر این‌که هر یک از قاتلان با مقتول برابر هستند، بنابراین با کشتن چندین تن در برابر یک نفر، برابری رعایت نشده است.

همان‌طور که یک دیه برای او پرداخت می‌گردد. این‌که چند نفر با یک تن برابر نیستند از بدیهیات عقلی است (علم الهدی، ۵۳۳؛ خوانساری، ۱۹۲/۶؛ سرخسی، ۱۲۶/۲۶؛ نووی، المجموع، ۳۶۹/۱۸؛ ابن رشد، ۲۳۶/۲).

در خصوص اجماع باید گفت: این اجماع به دلیل مدرکی بودن، تنها می‌تواند مؤید باشد و دلیل مستقلاً محسوب نمی‌شود.

دلایل فقها برای قتل یک نفر

- ۱- روایاتی که بیانگر تخییر ولی دم در قصاص یک فرد است.
- ۲- کشتن چند نفر در برابر یک نفر، با ظاهر آیه شریفه «النفس بالنفس» سازگاری ندارد و آیه شریفه نیز از تخصیص ابا دارد (خوانساری، ۱۹۲/۷).
- ۳- شرط قصاص مماثلت و مساوات است، چنان‌که لغت قصاص به معنای

مساوات است (زیبیدی، ۳۳۹/۹).

در قصاص همان طور که برابری در صفات شرط است، برابری در تعداد نیز باید رعایت شود. با کشتن ده نفر در برابر یک نفر، مساوات رعایت نشده است.

۴- هر یک از قاتلان مساوی با مقتول هستند، بنابراین چند نفر در برابر یک نفر قصاص نمی‌شود، همان طور که چند دیه گرفته نمی‌شود.

نتیجه گیری

روایاتی که بیانگر کشته شدن گروهی در برابر یک نفر است از نظر تعداد زیادتر و از نظر سند معتبرترند و مشهور فقها نیز بر طبق آن فتوا داده‌اند. در مقابل روایاتی که بیان می‌دارد فقط یک نفر با انتخاب ولی دم کشته می‌شود، اگر چه در بین آنها روایات صحیح و حسن وجود دارد ولی به قوت روایات دسته اول نیستند. اما با عنایت به این که هدف از تشریح حکم قصاص، حفظ حیات و جلوگیری از خونریزی بیشتر است و اینکه در شرع و لغت مساوات در قصاص شرط است و با توجه به آیه شریفه: «النفس بالنفس» و منع قرآن کریم از اسراف در قتل و نیز تصریح روایت به عدم جواز قتل بیش از یک نفر، قول کشتن یک نفر با انتخاب ولی دم، خالی از قوت نیست و بهتر است در ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی تجدیدنظر بشود.

منابع

قرآن کریم

ابن ادریس حلی، محمدبن احمد، *السرائر*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.

ابن حجر عسقلانی، احمدبن علی، *سبیل السلام*، مصر، شرکت مکتبه و مطبعة مصطفی البانی الحلبي واولاده، بی تا.

- ابن داود، حسن به علي، رجال ابن داود، نجف، المطبعة الحيدرية، ١٣٩٢ق.
- ابن رشد، محمد بن احمد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، تحقيق خالد عطار، دارالفكر، ١٤١٥ق.
- ابن زهره، حمزه بن علي، غنية النزوع الى علمي الاصول و الفروع، تحقيق ابراهيم بهادري، قم، مؤسسه امام صادق، ١٤١٧ق.
- ابن قدامه، عبدالله، المغني، تحقيق جماعتي از علما، بيروت، دارالكتاب العربي، بي تا
- ابو البركات، احمد الدردير، الشرح الكبير، بيروت، دار احياء الكتب العربية، بي تا
- اردبيلي، احمد بن محمد، مجمع الفايده والبرهان في شرح الازهان، قم، انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين، بي تا
- اردبيلي غروي، محمد بن علي، جامع الرواة، قم، مكتبة آية الله المرعشي، ١٣٢٨ق.
- جزيري، عبدالرحمن، الثقة على المذاهب الاربعه، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٤٠٦ق.
- حر عاملي، محمد بن حسن، وسایل الشيعه، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.
- محقق حلي، جعفر بن حسن، شرايع الاسلام، تهران، انتشارات استقلال، ١٤٠٣ق.
- علامه حلي، حسن بن يوسف، مختلف الشيعه في احكام الشريعه، قم، انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين، ١٣٧٠ش.
- خميني، روح الله، تحرير الوسيلة، تهران، منشورات مكتبة الاعتماد، بي تا.
- خوانساري، سيد احمد، جامع المدارك، قم، مؤسسه اسماعيليان، ١٣٥٥ش.
- خويي، ابوالقاسم، مباني تكملة المنهاج، قم، دارالهادي، ١٤٠٧ق.
- _____ معجم الرجال الحديث، انتشارات فرهنگ اسلامي، ١٤١٣ق.
- دسوقي، محمد بن عرفه، حاشية الدسوقي، داراحياء التراث العربي، بي تا
- روحاني، محمد صادق، فقه الصادق، قم، مؤسسه دارالكتاب، ١٤١٢ق.
- زبيدي، مرتضي، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٤ق.

- سرخسی، شمس الدین، *المبسوط*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
- سمرقندی، علاء الدین، *تحفة الفقهاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- شافعی، محمد بن ادريس، *لام*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، *الروضه البهیة*، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰ق.
- _____، *مسالك الافهام*، مؤسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- ابن زین الدین، صاحب معالم، حسن، تحقیق فاضل جوهری، قم، مکتب آیه الله المرعشی، بی تا
- _____ *معالم الدین*، با شرح اعتمادی، قم، مکتبه مصطفوی، ۱۳۳۷ق.
- طباطبایی، سید علی، *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۶ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *الاستبصار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- _____، *تهذیب الاحکام فی شرح المقننه*، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۳ق.
- _____، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى*، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، بی تا
- _____، *الخلاف*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- علم الهدی، علی بن حسین، *مسائل الناصریات*، تهران، رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- _____، *الذریعة الی اصول الشریعة*، تحقیق ابوالقاسم گرجی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ش.
- عمید زنجانی، عباس علی، *درآمدی بر حقوق اسلامی تطبیقی*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲ش.
- کاشانی، ملا فتح الله، *منهج الصادقین*، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۷ش.

مجلسى، محمد باقر، *مرآة العقول فى شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧٩ش.

_____، *بحار الانوار*، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤٠٦ق.

مظفر، محمد رضا، *اصول فقه*، نشر دانش اسلامى، ١٤٠٥ق.

منصور، جهانگير، *قانون مجازات اسلامى*، تهران، نشر ديدار، ١٣٨٤ش.

مفيد، محمد بن نعمان، *المقنعه*، قم، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، ١٤١٧ق.

نجفى، محمد حسن، *جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام*، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٧ش.

نووى، يحيى بن شرف، *المجموع فى شرح المهذب*، دارالفكر، بى تا.

_____، *روضه الطالبين*، تحقيق عادل احمد، بيروت، دارالكتب العلميه، بى تا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی